



۲۰۱۹/۰۱/۰۳



حنیف رهیاب رحیمی

حکیم گذشته ها و حکیم امروز

در گذشته های خیلی دور، که در دنیا نی شر بود و نه شور، نی طالب و داعش و نی گژدم و زنیور و دیگه سگ و سکور، هرکس بود در کارک خود مسرور و هر گلرخ به حسن و دلبری مغرور، «لقمانی» می زیسته، با علم و خرد آراسته و همه جا مشهور، در میان همان جمع و همان مردم، ذکی و با فهم و شعور، رمز و راز زندگی را نیک دانسته و از جام علم و دانش مخمور، «حکیمش» لقب نهاده بودند یعنی لقمان حکیم.

نمی دانم اگر حالا زنده می بود، علم و حکمتش تا چه حد مفید و سازنده می بود، در زیر پلی پودر می زد و یا باز هم گپ از علم و هنر می زد، عضو حزب گلبدین می شد یا گپ از کهکشان و ماه و اختر می زد یا مانند وکیلان پارلمان مداری می شد و خلق خدا را منتر و جنتر می زد یا سرمه را چون مامورین حکومتی در روز روشن از چشمان تر، تا می شدی خبر، می زد!

هرچه بوده بوده ولی از نصایح لقمان طوری استنباط می شود که لقمان حکیم را فرزندی بوده، گپ نافهم و نااهل و نادان، بدکردار و بد گزاره و بد زبان، از ادب و آدمیت گریزان، و بی تربیه و زنیاره و مایل خوبان، مجبور به ایراد نصایح زیادی شده بیچاره لقمان، به آن به فرزند بی هنر و بی مسلک و بیکاره و همرة شیطان!

لقمان از گوشهای فرزندش گرفته و داد زده:

«...فرزندم، راز خود را با زنان و کودکان مگو، با چشم و ابرو با دیگران سخن مگو، با پدر و مادرت بهترین رفتار را داشته باش، با غرور و تکبر با دیگران رفتار مکن، در راه رفتن میانه رو باش، برسر دیگران فریاد مکش و آرام سخن بگو، با بدان و جاهلان همنشینی مکن، نا آموخته استادی مکن، در حضور دیگران دندان پاک مکن، در مجالس انگشت در بینی مینداز، از پیش دیگران غذا و میوه بر مدار، در راه رفتن از بزرگان پیشی مگیر، سخن و کلام دیگران را قطع مکن، با دیوانه و مست سخن مگو، هنگام راه رفتن جز به ضرورت چپ و راست خود را نگاه مکن، با چشم و ابرو با دیگران سخن مگو، از شوخی و مزاح خود کمتر کن، با صدای بلند آب دهان و بینی را پاک مکن، به هنگام خمیازه دست بر دهان خویش بگذار.... و الی آخر.»

اما از قضا درین روز و روزگار کمپیوتر و انترنت و فیسبوک و عصر ماه و مشتری و اتوم، از حکیمی سخن می رانیم

که از لغمان است. اما این حکیم جان از لغمان است و کم از او نیست.

معلوم می شود این شخص هم نصیحت هایی به فرزندش کرده که با پندهای لقمان حکیم بی مشابهت نیست بنا برین لازم دانستیم دوستان را به خواندن پندهای عصر فیسبوک و کمپیوتر حکیم لغمان جلب کنیم تا خود شان آنها را با پندهای زمان فالبینی و تعویذ نویسی مقایسه نمایند. چنانچه فرموده:

- فرزند بی لحاظ و بی نیاز و بی روزه و بی نماز و لنگ کوتاه زبان دراز فیسبوک بازم!
- اول خو از فیسبوک بازی اجتناب کو، آگه نمی کنی پس پندهای مره حساب کو و در عملی کردنش شتاب کو.
- فرزندم، هرگاه در فیسبوک داخل شدی و دیدی که آتش دشمنی بین دو شخص فواره می کنه، یکیش طرف دیگرش خوده شکلک و قواره می کنه، و دیگران همه نظاره می کنه تو هم یک گیلن پترول حواله کو و بگریز.
- در فیسبوک با هر کس زبان درازی نکو، با آبروی خود و دیگران بازی نکو، هیچ وخت مجرمه خیال قاضی نکو.
- هرگز بجز سخن خیر مگوی، از چت کردن های نصف شو دوری بجوی.
- همیشه احوال دوستان و عزیزان رامی گرفته باش، و راز های شانرا می نهفته باش.
- از هر کس که توقع لایک داری، پس تو از لایک کردنش چه باک داری؟
- خوش زبانی و خوش نویسی را تمرین کو، دهن همه را با گپ های نیکو شیرین کو. فیسبوک را با یگان خواندن عشقی رنگین کو.
- هرگاه نوشته کسی خوشت نیامد، هر هفت سوراخت را ببند فرزندم که بادت بیرون نشوه.
- سعی کن که ازین چشمه روان، خود را سیراب سازی نه اینکه هم مه و هم خانواده را بی آب سازی!
- اگر کسی بر پُست هایت مهر لایک نگذاشت، تو هم لایکش نکو اما هوش کن به این جرم بلاکش نکو.
- کسی را دشنام مده تا ما هم دشنام نخوریم، زیرا در فیسبوک کسانی هم راه یافته اند که در ظرف یک دقیقه مانند نداف پخته هایت را باد می کنند.
- فرزندم، اگر در موردی، عقل و دانشت قد نداد، مایوس مشو، خوده ده کوچه حسن چپ بزن و بگریز. بدان که گریز کار مردان است! و ازین قسم مردان در فیسبوک به هزاران است.
- دین و عقیده دیگران را محترم بشمار. خود را مامور امر بالمعروف نسا که ریشت را تار تار می کنند و جاهای پوشیده ات را غار غار.
- از عمل قبیح دست بردن به این جا ها و آن جاهایت پرهیز. در فیسبوک همه حضور دارند. خانمها بیشتر از مردها شعور دارند.
- محرمیات را محرم نگهدار که بی تربیه بودنت برملا نگرده.
- گپ های ثقیل و سنگین بزن. آدمهای بی تربیه ره قیل کرده ده زمین بزن!
- کامنت و یا هر چیزی که می نویسی، خوب بخوان. گپ یله و ناسنجیده و بی معنی در کامنت نمان، که باز پسان تر نشوی پشیمان!

• ضرور نیست در هر کاسه یکبار سرت را پیش کنی. نوشته هر کسه یکبار تفتیش کنی. و همه را در تشویش کنی!

• هیچوقت به آنچه که علم نداری، نظرت را بیان نکو. فکرت باشه که پطلونه خیال تنبان نکو!

• اگر کسی در بارهٔ افغان و افغانستان نوشت، یا چیزی در شأن مردم لغمان نوشت، یا راست یا دروغ یا بهتان نوشت، یا اگر با صدق و با ایمان نوشت، از بین بازار یا از داخل زندان نوشت، از فرانسه یا از انگلستان نوشت، اگر جان یا قربان نوشت اگر با شور و هیجان نوشت، اگر دریشی داشت یا با تنبان نوشت، اگر مامور یا قومندان نوشت، حتی اگر صدیق افغان نوشت، یا سلیم شاهین یا سلمان خان نوشت، لایک اش کن. به شرطی که به نفع مردم افغانستان نوشت. (والسلام حکیم لغمان)



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحهٔ مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند!

